

تونس، وسوسه احیای نظم سابق

نوشته Thierry Brésillon ، روزنامه نگار و فرستاده ما در تونس

ترجمه شروین احمدی

به نظر می رسد عزیمت زین العابدین بن علی باعث فروپاشی یک رژیم مستبد و از نفس افتاده شده باشد. ده سال بعد ، ضد انقلاب بر در می کوبد. ایده احیای نظم سابق ، در بحث های تونس وارد شده و خطر آماده سازی ذهن مردم برای تسلیم را به همراه آورده است.

هنگامی که در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ ، زین العابدین بن علی با همسر و پسرش برای پناهندگی به عربستان سعودی پرواز کرد ، قدرت یک رژیم خودکامه را که ناگهان نامشروع شده بود را با خود برد. دستگیری طرابلسی ها (خانواده لایلا طرابلسی ، همسر بن علی) دار و دسته ای را پاشاند که با حمایت رئیس جمهور ، از ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی خون اقتصاد و دولت را می مکیدند. این فرجام که چند هفته قبل از وقوع آن غیر قابل تصور بود شکافی را باز کرد که افق دموکراتیک غیر منتظره ای را وعده می داد.

ده سال بعد ، افکار عمومی و مفسران ارزیابی ناامیدکننده ای از این انقلاب به دست می دهند ، و شبح احیای نظم قدیمی بر تونس سایه افکنده است. کشوری که با اینهمه از سرکوب شدید خواست های دموکراتیک همچون سایر کشورهای عربی در امان مانده است .

کارمندان دولت ، مقامات و وزرای رژیم سابق به آرامی جایگاه خود را مجدداً در محافل قدرت به دست می آورند. کادرهای جوان آموزش دیده در ائتلاف برای قانون اساسی دموکراتیک (RCD)، حزب حاکم تا سال ۲۰۱۱، وارد احزاب سیاسی جدید شده اند. شکایت از وضعیت با گفتن «قبلاً بهتر بود» به امری عادی تبدیل شده و دلتنگی برای بن علی بیش از پیش بی واهمه بیان می شود.

رخنه در چارچوب های جدید دموکراتیک

حزب مشروطیت آزاد (PDL)، خود را وارث RCD معرفی می کند و رهبر آن ایبر موسسی ، معاون دبیرکل سابق RCD بوده است . این حزب بر انتقاد از وخیم تر شدن شرایط زندگی ، بی نظمی دولت ، رشد ناامنی ، بحران اقتصادی ، رسوایی های فساد ... و طبقه سیاسی بی اعتبار ، سرمایه گذاری کرده و در نظرسنجی های دسامبر ۲۰۲۰ با ۳۸ درصد رای بسیار جلوتر از حزب اسلامیت النهضه با ۱۹ درصد رای قرار گرفته است. PDL نیروئی اوج گیرنده و جایگزین است که عدم موفقیت ده سال دموکراسی در تحقق وعده های خود در مورد اصلاحات ، عدالت اجتماعی و راست کرداری آنرا احیا کرده. با این حال ، سه چهارم رای دهندگان بالقوه به هیچ حزبی اعتماد ندارند ، امری که آینده سیاسی تونس را ناروشن می کند.

این گفتمان های دو سویه ، انقلاب / احیای رژیم سابق ، که حول حکم قطعی شکست انقلاب مطرح می شود، برداشت معینی از واقعیت را شکل می دهد. قدرت برانگیزاننده مفاهیم «انقلاب» و « احیای نظم سابق » برای اولی معادل گسست ، طرد گذشته ، نوسازی ، سرنگونی نظم اجتماعی سابق است و برای دومی بازگشت به نظم قدیمی با کارمندان ، سازمان ها و عملکرد های آن. این بحث نشانگر تحول پیچیده تری هستند.

بن علی عناصر مادی رژیم اش را بر جای گذاشت: نخبگان اداری ، شبکه ها ، سازمان ها ، سیستم قضایی ، دستگاه های امنیتی ، رسانه ها ، الیگارش اقتصادی ... آنهایی که در ابتدای انقلاب بی اعتبار شده بودند سپس توانستند مجددا در چارچوب های جدید دموکراتیک رخنه کنند.

به نظر می رسد به جای « احیای رژیم سابق » ، اصطلاح «تاب آوری» که از روانشناسی گرفته و مد شده ، برای توصیف این توانایی برای تناسخ در یک واقعیت جدید مناسب تر است. حتی نمودار کلاسیک پیمان میان جناح اصلاح طلب رژیم قدیم و عمل گرا ترین عناصر نخبگان جدید ، منعکس کننده ایده تداوم بین دیکتاتوری و دموکراسی ، قادر نیست این دوگانگی وضعیت و دامنه احتمالات عملی آن را در نظر گیرد.

چنگ اندازی به مشروطیت

اولین چنگ اندازی رژیم سابق به رژیم جدید با مصادر مشروطیت از همان فوریه ۲۰۱۱ آغاز شد. رژیم جدیدی که از یک انقلاب اجتماعی آغاز شده از مناطق حاشیه ای بر سرکار آمده بود. این روند مبتنی بر این ایده بود که جامعه از بالا و از طریق قانون تغییر شکل می یابد. این قانون گرایی ، حداقل از زمان تلاش برای اصلاح سلسله سلطنتی بیک ها در نیمه دوم قرن ۱۹ ، نقشی اساسی به نخبگان حقوقدان در تاریخ ملی اهدا می کند. و بدین ترتیب شیوه های دیگر سازماندهی و تحول جامعه را به حاشیه می برد یا حتی رد صلاحیت می کند. مشروطه خواهی ستون فقرات جنبش ملی Desturien (از نظر عربی قانون اساسی) و قدرت حاکم از ۱۹۵۶ تا ۲۰۱۱ بوده است.

تدوین قانون اساسی جدید بمنابہ پاسخی به خواسته های انقلاب سال ۲۰۱۱ باعث کندی رشد وجدان سیاسی و توانایی سازمانی شورشیان جوانی شد ، که پس از تحصن «کسبه ۲» در پایان ماه فوریه از آنها

خواسته شد که به مناطق خود بازگردند.(۱). طبقه سیاسی جدید خود را در چارچوب مشروطیت ذوب و سلسله مراتب اجتماعی قدیمی را به روز کرد.

مشروطه خواهان پس از مدت زمانی که بدلیل کار مجلس موسسان (۲۰۱۴-۲۰۱۴) در حاشیه قرار گرفته بودند ، به لطف بحران سیاسی قدرت نفوذ خود را بازیافتند. این تمرکز و تاکید بر ابزارهای قانونی ، موجب تقلیل به امر تکنیکی شدن گسست ها و محرومیت های ارضی ، اجتماعی ، مدنی و فرهنگی شد. این امر اجازه داد تا یک گروه اجتماعی بدون آنکه لزوماً بنالیسم (طرفداری از بن علی) را تأیید کند ، با دولت ارتباط نزدیک برقرار کرده و موقعیت های قدرت را در دست گیرد.

مسابقه تا مرکز

دموکراتیزه کردن رژیم ، یک سیستم چند حزبی واقعی ایجاد کرده است که اجازه می دهد قدرت بین اکثریت و یک اپوزیسیون متناوب باشد. اما اختلاف های عقیدتی به منزله عاملی برای چند دستگی ملت و تهدیدی برای دولت تلقی می شود. این ارزش گذاری بیش از حد به «مرکز» ، اعمال قدرت را به گزینه های فنی غیر سیاسی سوق می دهد.

حزب حاکم در زمان حبیب بورگیبه همانند دوران بن علی تجسم این «مرکزگرایی» بود که دو افراط (چپ مارکسیست و اسلام گرایی از سوی دیگر) را همچون ورقه برای برجسته کردن باصطلاح «اعتدال» خود استفاده می کرد ، حتی اگر این به معنای تکیه بر یکی برای مبارزه با دیگری بود.

از سال ۲۰۱۱ ، رقابت برای بازسازی این «مرکز» که به طور طبیعی محل اعمال قدرت است آغاز گردید. النهضه ، تحت پوشش توافق با جمع ، در تلاش است تا خود را به عنوان مرکز اسلامی - مشروطه

ای که می تواند تعادل بین انقلابیون و ضدانقلاب را ایجاد نماید ، معرفی کند. اما این حزب توسط نخبگان اداری ، فکری و رسانه ای رد شده و از نقطه نظر ژئوپلیتیک نامطلوب است ، علاوه بر آنکه توانایی گسترش رای دهندگان اش را ندارد. به نوبه خود ، PDL در موقعیت بهتری قرار دارد تا پایگاه اجتماعی رژیم سابق را بسیج کند و دفاع از الگوی اجتماعی «مدرنیست»ی که توسط «اسلام سیاسی» تهدید می شود را در انحصار خود قرار دهد. یعنی همان مترسکی که RCD مشروعیت خود را بر اساس آن بنا نهاده بود.

در حالی که قبل از سال ۲۰۱۱ ، ساخت دولت و دفاع از آن بر همه ملاحظات دیگر غلبه داشت ، حاکمیت مردمی پس از آن ، سلسله مراتب ارزش ها را تغییر داد. اقدامات دولت با احترام به حقوق بشر و فشار توسط مردم محدود می شود. «مردم» ، در رژیم سابق ، انتزاعی و به تعبیر بورگبیه ، موجودی « نخراشیده» بود که هرگز حتی به آستانه «مردم» نظری(تئوریک) نمی رسید.

ناکارآمدی نهادهای جدید بزرگراهی برای بازگشت مسئولین رژیم سابق به بهانه دفاع از کشور باز کرد. اگر PDL بتواند در انتخابات بعدی اکثریت را بدست آورد ، می تواند در دو صحنه ، دفاع از حاکمیت مردم و اولویت دولت نقش بازی کند بدون آنکه بتواند از الزام به پاسخگوئی بگریزد .

رژیم قدیمی متکی به دستگاه امنیتی ای بود که توسط شبکه حزب RCD در جامعه گسترش یافته بود. نهاد پلیس که دیروز قدرتمند بود ، اکنون که باید خود را با استانداردهای جدید تطبیق دهد ، شاهد ورود دشمنان دیروز ، اسلام گراها ، به صفوف خود است. و از اینکه مورد انتقاد مردم و سازمان هائی قرار گیرد که تا دیروز سرکوبشان می کرد ، آشفته است. پلیس همچنین از پاسخگویی در قبال جنایات خود در دوران دیکتاتوری امتناع می ورزد و از سال ۲۰۱۱ ، تصمیم گیرندگان سیاسی را برای حفظ مصونیت از مجازات به گروگان گرفته است. سندیکا های پلیس طی چندین سال، تلاشی ناموفق داشتند تا لایحه

ای برای «محافظت» از مقامات انتظامی در برابر منتقدان و جلوگیری از پیگرد قانونی سرکوب بی رحمانه اعتراضات سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱، تصویب شود.

بخشی از دستگاه های امنیتی در PDL احتمال برقراری رابطه ارگانیک با قدرت سیاسی و در نتیجه دسترسی مجدد به قدرت مطلق را می بینند. بازگشت وضعیت امنیتی به لطف حملات تروریستی که در هر دو سوی مدیترانه رخ می دهد ، هم تسامح خاصی را برای ادامه اقدامات سابق (سرکوب گسترده ، آزار و اذیت ، شکنجه) فراهم کرده و هم الویت ها را دگرگون کرده است: دیگر محافظت از قدرت حاکم در برابر مخالفان الویت ندارد . جای آنرا خنثی کردن تهدیدهای سیستمی فراملی گرفته است.

به جلوی صحنه آمدن مجدد محافل تجاری

در دوران ریاست جمهوری بن علی ، تبانی بین محافل تجاری و قدرت سیاسی به اوج خود رسیده بود. الیگارشی های خانوادگی ، که برخی از آنها از قرن نوزدهم شکل گرفته اند ، به لطف حمایت از ریاست جمهوری در ازای بیعت ، موقعیت خود را مستحکم کردند. با این حال ، آنها اجازه می دادند که خانواده طرابلسی پردرآمدترین بخش ها را در دست گیرد. پس از سقوط بن علی ، ۲۲۰ شرکت قبیلہ ریاست جمهوری توسط دولت مصادره شد و بازرگانانی برای شرکت در ثروت اندوزی غیرقانونی مقصر شناخته شدند.

اما خانواده های بزرگ اقتصادی سریعاً خود را با شرایط جدید تطبیق دادند تا بتوانند با رهبران جدید ارتباط برقرار کرده و در تأمین مالی احزاب سیاسی شرکت کنند و حتی در انتخاب پارلمان روی جناح سیاسی معینی سرمایه گذاری کنند (۲). سقوط طرابلسی ها کارت ها را مجدداً توزیع کرد و به واسطه های شبکه های آنها (حمل و نقل کالا ، مأمورین گمرک و غیره) اجازه داد تا خود را توانمند کرده و در جهت منافع خویش کار کنند(۳). امید طرابلسی ، برادرزاده لگلا طرابلسی ، صریحاً گفت که این شیوه ها

تداوم را ممکن می سازند ، «همان سیستم هنوز هم عملیاتی است». با این حال ، اینک سیستم در یک فضای رقابتی ادامه حیات می دهد و برای یک حزب یا یک رهبر دشوار است که مقررات تجارت را در جهت منافع خود تنظیم کند و یا تغییر دهد.

تحولی که با سقوط بن علی آغاز شد ، بسته به هر منطقه ای، مسیرهای مختلفی را طی می کند. گفتمان احیا گذشته اعم از اینکه هشدار دهنده ، ناامید کننده یا دلتنگانه باشد ، شکل دهنده نوعی عدم پذیرش وضع موجود است. این گفتمان خواسته یا ناخواسته کمک می کند تا ذهن مردم برای یک کار سیاسی آماده شود که هدف آن بازیابی مجدد کنترل در زمینه های مختلف قدرت است. با این وجود ، باید با پویایی های جدید در جمعیت هماهنگ شد: ضد- قدرت های اجتماعی و رسانه ای برای کنترل و توازن آنها، ذهنیاتی که با تجربه عمل شهروندان تغییر شکل داده اند و درک روشن تر از ساز و کارهای قدرت حاکم.

۱- تحسن در میدان کسبه ، مقر دولت ، توسط معترضینی که از مناطق مختلف داخل کشور آمده بودند.

-۲

Bilel Kchouk, « Les “anciennes” élites économiques et le changement de régime en Tunisie : de l’incertitude vers la consolidation politico-économique des positions », *Politix*, no. 120, 2017/4.

-۳

Clément Steuer, Adrien Doron, « Quelle contre-révolution en Tunisie et en Égypte ? L’héritage du RCD et du PND dans les systèmes partisans et le secteur de l’économie informelle », *Confluences Méditerranée*, no. 115, 2020/4.

Orient XXI .

نشریه اینترنتی درباره سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، دیپلماسی ژانویه ۲۰۲۱